

آداب گفت و گو از منظر آیات و روایات با تاکید بر ارتباط زن و مرد نامحرم

راحله جعفری^۱

چکیده

یکی از آداب معاشرتی که اسلام در تعالیم دینی به ما آموزش داده، سنجیده سخن گفتن می باشد. در شریعت سخن گفتن پسندیده و موجه با هموعان خود، بسیار مورد تاکید و توجه، قرار گرفته و قرآن با راهنمایی کردن به اموری از قبیل؛ سخنی لّین، عفیفانه، بدون تحریک برانگیزی، دوری از دشنام و ناسزاگویی و با عملکردی صحیح برای مخاطب، آموزه هایی دارد که درخور، شأن والای انسانی و کمک به رشد و کمال آدمیت است و همچنین زن و مرد نامحرم بتوانند بدون افتادن در وادی گناه و در عرصه ی وجودی خود، بدون آسیب رسیدن به روح و روانشان با نامحرم سخن بگویند. که در این راستا برایشان در کتاب وحی، باید و نبایدهایی گنجانده شده است. در روایات متعددی به منظور تاکید در این راه سلامت ماندن روح برای زن و مرد، توصیه و اشاراتی شده است. آداب به مجموعه رفتارهایی گفته می شود که در آن راه ارتباط گیری صحیح متبلور می شود. یکی از این آداب، گفتگوی مناسب بین افراد است که تقریباً اصلی ترین راه ارتباطی را شامل می شود. در آیین اسلام توصیه هایی شده که شامل؛ نهی از درشت گویی و امر به خوش بیانی، سخن گفتن سنجیده و نحوه اعتمادآفرینی بین افراد صحنه گذاشته است. همچنین نکاتی در مورد سبک ارتباط کلامی بین زن و مرد نامحرم عنوان شده چرا که زمینه ی برخی از انحرافات را فراهم می کند. بنابراین با رعایت این آداب، آثار منفی در گفتگوهای غیراخلاقی به حداقل می رسد. این تحقیق به روش کتابخانه ای می باشد.

کلید واژه: آداب، سخن گفتن، گفتار

^۱ طلبه سطح ۲

مدرسه علمیه بانو امین(ره)

rahelejafari.rj54@gmail.com

و قل لعبادی یقولوا التی هی احسن^۱ به بندگانم بگو، بگویند سخنی که بهترین است. مؤدب بودن و گویش زیبا، مطلبی بسیار حائز اهمیت است. بنابراین، قرآن کریم در قالبهای متفاوت به آن اشاره کرده. آیین ابراهیم سلام الله علیها بیشتر از هر دینی به گفتگو اصرار ورزیده است. به دلیل اینکه مهمترین اصل و ریشه جهت آگاهی مردم، در باورهای اساسی زندگی می باشد و همچنان آن را به عنوان مسیری برای حصول و دستیابی به آیین و روش بهتر زیستن در نظر دارد. از این بابت در پژوهش حاضر، به آداب گفتگو با توجه به آیات و روایات اشاره شده و اینکه چطور بتوانیم با گفتگوی صحیح و شایسته الگویی با عملکرد بهینه و ساختاری پرکاربرد، تفهیم کنیم. زمانیکه مبحث آداب مطرح می شود، گونه ای رفتار مخصوص در ذهن پدیدار می شود. این رفتار که از تربیت درست، گرفته شده و ریشه اش در وجود آدمی با شاخ و برگهای فراوان ظهور پیدا می کند، به طوریکه، فرد زیبا سخن می گوید که سخن گفتنش در بستری با سؤال و جوابهای منطقی قرار گرفته است. شنونده ای با درک و فهم عمیقی می شود که تماماً از همان ریشه ی تربیتی درست نشأت گرفته است. گفتگو یک تعامل اجتماعی می باشد. که متشکل از دو نفر به بالا صورت می گیرد. گفتگوی مؤدبانه با هموعان، زمانی صورت می گیرد که افراد، تحت مراقبت و پرورش صحیحی قرار بگیرند و این امر باید در آموزش و مداومت تربیتی پرمغزی قرار بگیرد. در این پژوهش تلاش شده تا به سوالاتی، پاسخ داده شود. این آداب پرمغز گفتگوی درست کدامند؟ قرآن مربی، در این وادی، چه اصولی را عنوان دارد؟ درگفتگو چه چیزهایی باید رعایت شود؟ ارتباط سالم و صحیح میان زن و مرد چگونه می باشد؟ موضوع ناطق و سخن گفتن، به قدری حائز اهمیت است که انسان را نسبت به سایر مخلوقات تمیز می دارد. این نعمت ارزشمند، آداب و موازینی را دارد که بدون آنها بهره لازم به دست نمی آید، وگاهی مشکلات غیر قابل جبرانی را به دنبال دارد. در کتاب روابط زن و مرد به احکام اشاره کرده و در کتاب آداب سخن به نحوه ی سخن گفتن اشاره دارد و این تحقیق تلفیقی از هردو، چه از جهت احکام شرعی و چه از جهت رمز موفقیت و راهبرد در کلام سنجیده، به علاوه در زمینه ی مضرات عملکرد شرعی و اخلاقی، بررسی شده است.

این پژوهش، از نظر نوع تحقیق کتابخانه ای و دایره موضوعی آن قرآن و روایات و علوم تربیتی می باشد.

^۱ اسراء : ۵۳

^۲ معصومی، احکام روابط زن و مرد

مفهوم شناسی

معنای لغوی ادب: به زحمت و مشقت افتادن است. پسندیده در راه فضایل انسانی حرکت کردن. و خود را مؤدب به آداب نیک کردن است.

لغتنامه دهخدا درباره معنای لغوی ادب معانی بسیاری ذکر شده.^۱ کلمات لغویین در معنای ادب نزدیک به یکدیگر می باشد. ادب در لغت به معنی ظرف و حسن تناول می باشد و ظرف در این جا مصدر است؛ به معنی کیاست مطلق یا ظرافت در لسان یا براعت یا حذاقت. به تعبیر افرادی نیک گفتاری و نیک کرداری، و بعضی ادب را در فارسی به فرهنگ ترجمه می کنند و گفته اند ادب یا فرهنگ به معنی دانش است و با علم چندان فرقی نمی کند.

معنای اصطلاحی ادب: در تعریف و تحدید ادب اصطلاحی، عبارات ادبای متقدمین مختلف می باشد؛ افرادی می گویند؛ ادب عبارت است از؛ هر ریاضت ستوده که به واسطه آن انسان به فضیلتی آراسته می شود و این منقول از معنی تأدیب و تأدب گرفته شده است که در آن ها ریاضت اخلاقی أخذ شده و برخی می گویند: ادب ملکه ای است که صاحبش را از نا شایستگی نگاه داشته است. علامه طباطبایی رحمه الله درباره معنای ادب می گوید: ادب هیأت نیکو و پسندیده ای است که سزاوارست رفتارهای مشروع دینی یا عقلایی بر مبنای آن تصویر شود؛ مانند آداب دعا و آداب دیدار دوستان.^۲

معنای لغوی گفتگو: اسم مصدر (گفت و گوی) با هم سخن گفتن. گفتگو. (گُ ت) (امص مرکب) مکالمه. مباحثه. مجادله. گفت و شنود.^۳

معنای اصطلاحی گفتگو: گفتگو در حکم عمل داستانی می باشد. زیرا چیزی در آن اتفاق می افتد، که بر اثر صحبت کردن دو نفر با هم ایجاد می شود. به همین دلیل می توان گفت: گفت و گو حالت ایستایی نیست و همین پویایی گفت و گو به داستان تحرک و طراوت می دهد. بنابراین گفت و گو به معنای مکالمه و سخن گفتن با هم و رد بدل کردن عقاید و افکار می باشد، که در شعر، داستان و نمایشنامه به کار می برند.

^۱ دهخدا، لغتنامه، ج ۸، ص ۱۱۹۰۶

^۲ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۰۸

^۳ رسولی محلاتی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۳۴۲

متن اصلی

نعمت بزرگی را که خداوند به انسان ارزانی داشته، خلقت لسان و قدرت نامتناهی سخن گفتن است. انسانها نیز، مانند بقیه ی نعمتهایی که خداوند به آنها داده، مسؤولیتی خطیر بر عهده اشان می باشد و بابت کمترین شکرانه ای که در مقابل آن نعمتها از او خواسته، درست استفاده کردن و گناه نکردن با آن نعمتها می باشد. از جمله این، نعمتها، نعمت عظیم و خارق العاده، زبان است و انسان خیلی باید سعی کند که این نعمت عظیم را به واسطه ی عملکرد غلطش، تبدیل به نعمت نکند. بدون توان سخن گفتن انسانها، نمی توانند با دیگران ارتباط برقرار کنند و با یکدیگر تبادل نظر داشته باشند. از طریق گفتگو کردن، علم و دانش، عشق و محبت را می توان انتقال داد. سخن گفتن بسیار ارزش دارد. به طوری که، سخن گفتن بیرونی ارتباط و سخن گفتن درونی تفکر است. قرآن برای سخن گفتن، آدابی را فرموده که درش، فواید و آفاتی بسیار دقیق و موşkافانه گنجانده شده که سمت و سوی انسان را به قله کمال، در زمینه ی اخلاق نیکو، رقم می زند. یعنی اخلاق نیکو در زمینه اش، گفتار نیکو نقش بسته است. پیامدی که این آداب در پی دارد، راه و رسم درست اندیشیدن و ارتباط گیری خداپسندانه با دیگران می باشد. در آداب سخن می توان این گونه بیان کرد که؛ سخن به معنای کلام، قول، گفتار بیان و نطق آمده.^۱ برای اینکه پیام و سخن آدمی مؤثر واقع شود، اموری را به عنوان آداب سخن، بر جای می گذارد که، در این نوشتار به آنها می پردازد.

۱. سلام و تهیّت

قرآن کریم تکیه بر آن دارد که شروع سخن با سلام و درود یه همراه باشد. با این توصیف، در آغاز سخن گفتن شخص مخاطب را عزیز و گرمی می گمارد. از این رو سلام که یکی از نامهای زیبای خداوند است، در سرلوحه ی گفتمان به کار می بندیم و انرژی مضاعفی در ابتدای کلام به مخاطب خود القا می کنیم و شخص مخاطب احساس آرامش می کند. این امر منجر می شود تا شنونده، حس خوبی را به گوینده ی کلام ببخشد. این راهکاری است که فرشتگان با پیامبران، در دیدارهایشان اجرا می کردند و خداوند در آیات قرآن^۲ به آن پرداخته است.

^۱ لغتنامه دهخدا، ج ۸ ص ۱۱۹۰۶

^۲ هود، ۶۹/حجر ۵۲، ۵۱ / ذاریات ۲۴، ۲۵

۲. گشاده رویی

ادب دیگری که قرآن برای سخن گوی بیان دارد، گشاده رو بودن و روی خوش نشان دادن گوینده می باشد. حتی اگر شنونده خسته باشد و تمایلی به گفت و شنود، نداشته باشد، آن هنگام که گوینده با رویی گشاده و خوش، برخورد کند، شنونده به طرز عجیبی تمایل به ادامه گفت و گو نشان می دهد. از این روست که به نشاط و سرور وی توجه می دهد و برای اینکه سخن گوینده، بر روی مخاطب، تأثیرگذار شود، از گوینده می خواهد که با روی خوش با مخاطب مواجه شود. این روشی بود که پیامبر همواره به آن عمل می کردند و تبسم هرگز از روی چهره وی نمی رفت.

۳. شروع سخن با خبر خوش

در زمره آداب پسندیده ی سخن گفتن، کلامی با اخبار خوش و بشارت آغاز کردن، می باشد. همانطور که روایات موثقی داریم که رسول خدا صلی الله علیه و آله از مردم می خواستند که خبرهای بد و ناگوار را اطلاع رسانی نکنید. از مفهوم این احادیث، چنین برمی آید که، اخبار خوش به یکدیگر بگویید و اگرهم نیاز بود که خبر ناگواری بدهید، اول کلام خویش را با بشارت و مژده ای شروع کنید تا عواطف و احساسات مخاطب و شنونده به سوی گوینده جلب و جذب شود. از این روست که در داستان فرشتگان و حضرت ابراهیم (ع) با آنکه برای عذاب قوم لوط به زمین فرود آمدند، در دیداری که با آن حضرت داشتند نخست بشارت تولد کودکی برای ساره و ابراهیم (ع) را بیان دارند و سپس به مأموریت خویش در ارتباط با عذاب قوم لوط را عنوان کنند.^۱ خداوند در قرآن برای صحبت کردن و معاشرت، آرام سخن گفتن را تاکید کرده، چرا که سخن گفتن با لحنی آرام، مخاطب را بیشتر تحت تأثیر قرار می دهد. این مطلب کاملاً واضح است که تندخویی، حالتی مشمئز در شنونده ی سخن ایجاد می کند. باید یاد بگیریم که هرگز صدایمان را بلند نکنیم، زیرا این کار به حدی ناپسند است که خداوند آن دسته از افرادی را که چنین صفتی دارند را به الاغ تشبیه می کند. خداوند بر شخص عصبانی غضب می کند و او را نکوهش کرده که در فکر کردن، بسیار ضعیف، عمل می کند.^۲ بنابراین انسان حتی در لحظه عصبانیت، خودش را کنترل کرده و خبر ناگوار ندهد. باید بیاموزیم که همواره در زمان صحبت کردن، از کلماتی محترمانه استفاده کنیم. قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ به راستی که مؤمنان رستگار شدند.^۳ در صحبت کردن از لهویات بپرهیزیم. همیشه باید به این

^۱ هود آیه ۶۹ به بعد/ ذاریات آیات ۲۴ تا ۳۱ / حجر آیه ۵۱ به بعد

^۲ شوری ۳۷

^۳ مومنون آیه ۱

گفتن و گفت و گو با دیگران، آنان را از «خضوع در قول»^۱ نهی می کند و فرموده است: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»^۲ به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند، و به شیوه‌ای پسندیده سخن بگویند.^۳ «خضوع در قول» حالت خاصی از گویش، همراه با نرمی در گفتار و نازکی صدا در ادای کلمات می باشد، نهی در این آیه، به خضوع در کلام مربوط می شود، نه به اصل «قول». پس آیه به زنان نگفته «لا تقلن»؛ چیزی نگویند و با مردی سخن نگویند و با شخصی ارتباط کلامی نداشته باشید، بلکه می گوید: «لا تخضعن بالقول» با ناز و کرشمه، که شیوه خاصی از ادای کلام می باشد، سخن نگویند. در ارتباط گفتاری خود با مردان، با خضوع سخن نگویند؛ زیرا این امر سبب طمع مردان ضعیف‌الایمان در شما می گردد. با این حساب، معنای آیه این گونه می شود: هنگام سخن گفتن با مردان اجنبی، صدای خود را نازک نکنید و کلمات و جملات را نرم و دلربا ادا نکنید؛ زیرا این گونه سخن گفتن آنان را (نسبت به مسائل جنسی) به طمع می‌اندازد.^۴ هرچند، آیه نورانی، در رده ی آیاتی است که، زنان پیامبر مورد خطاب است و نهی در آن با فاء بر جمله «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اتَّقِيْتُنَّ»^۵ که مورد خطابش به زنان پیامبر می باشد و بر آن مترتب می شود و در ظاهر، به زنان پیامبر دستور داده شده و آنان را از خضوع در گفتار نهی می کند، اما رعایت این ادب برای همه زنان می باشد و مختص زنان پیامبر نیست، به دو دلیل؛ اول این که، نزول آیه در مورد همسران رسول خدا دلیل بر اختصاصی بودن حکم آیه به آنان نمی باشد. دلیل دوم، فاء در «فیطمع» سببیه است و به علّیت و سببیت این گونه سخن گفتن در تحریک و تهییج مرد و تمایل او به زن اشاره می کند و چون این علت در نحوه گویش جنس زن وجود دارد و مربوط به طبیعت زن می باشد، پس عمومیت پیدا می کند و مختص همسران پیامبر نمی باشد. در نتیجه، رعایت این ادب مخصوص زنان پیامبر نیست و شامل همه زنان است.^۶ گرچه از فاء تفریع، استناد به این دارد که رعایت این ادب برای زنان پیامبر بایسته‌تر می باشد.^۸ پس از آنکه آیه زنان را از کیفیت نامطلوب ارتباط گفتاری نهی کرد، به بیان کیفیت صحیح اشاره می کند و فرموده است: «وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»؛ زن باید به طرز معروف و به روشی مورد پسند سخن بگوید. قول معروف چیست؟ جمله «وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» در این آیه، در

^۱ نراقی، معراج السعاده، ج ۱۶، ص ۶۶

^۲ احزاب ۳۲

^۳ نجفی، جواهرالکلام، ج ۲۹، ص ۹۷

^۴ طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۵۵

^۵ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۰۸

^۶ احزاب ۳۲

^۷ خوئی، کتاب النکاح، ج ۱، ص ۱۰۳

^۸ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۰۸

مقابل «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» قرار گرفته است. پس، به قرینه مقابله درک شده که؛ «قول معروف» چیزی در مقابل «خضوع در قول» می باشد. بنابراین، «قول معروف» گفتاری است که؛ در طرز ادای آن ناز و کرشمه، ادا و اطوار و نازکی صدا و هر چیزی که مخاطب را به طمع بیندازد و دل او را به زن جلب کند وجود نداشته نباشد.^۱ پس زن در عین حال که مجاز است با مردان ارتباط گفتاری برقرار کند، وظیفه دارد به گونه‌ای سخن بگوید که حالت تسلیم در مقابل مخاطب، از آن استنباط نشود و این امر در صورتی میسر خواهد شد که زن در موقع سخن گفتن و ارتباط با نامحرم، حالت تواضع به خود نگیرد و سخنان خود را با آهنگ نرم و حالت خضوع بیان نکند.^{۲ ۳ ۴} اگر حضرت علی علیه‌السلام بر اساس برخی از نقل‌ها، تکبر، ترس و بخل را از صفات خوب زنان دانستند،^۵ رازش این است که هر یک از این صفات، آنان را از خطر سقوط در فساد و فتنه محافظت می‌کند. صفت تکبر در زن سبب می‌شود هنگام رویارویی با نامحرم و ارتباط گفتاری با وی، با تکبر و سختی سخن بگوید، نه با نرمی و تواضع. هرچند این آیه در ارتباط با کیفیت سخن گفتن زن با مرد نامحرم می باشد و در خصوص کیفیت سخن گفتن مرد با زن نامحرم آیه یا روایتی نداریم، اما با توجه به ملاکی که در آیه در ارتباط با نهی از خضوع در قول بیان می شود، شکی نیست که رعایت این ادب از سوی مرد هم باشد. مرد نیز در گفت و گوی خود با زن نامحرم، مجاز نیست به گونه‌ای سخن بگوید که او را نسبت به مسائل جنسی و ارتباط نامشروع به طمع بیفکند. شاید علت اینکه این ادب در طرف مردان اشاره نشده این است که مورد ابتلای آنان نمی باشد. مردان معمولاً صریح، با قاطعیت و درشت و به دور از ادا و اطوار سخن می گویند. بر خلاف زنان که تواضع و نرمگویی جزء طبیعتشان می باشد

لازمه ی حد ضرورت در ارتباط گفتاری زن و مرد نامحرم

چگونگی در ارتباط گفتاری زن و مرد نامحرم باید به گونه ای باشد که، در تعداد و نوع کلمات دقت لازم به عمل آید. یعنی از پرحرفی پرهیز کنند و به حد نیاز سخن بگویند و از کلماتی که تحریک کننده است و انسان را در دام گناه می اندازد، چشم پوشی کنند و هر دو طرف بسیار دقت کنند که راه را برای وسوسه گری شیطان هموار نکنند. دلیلی که بر صحت این موضوع می شود آورد، روایات موثق است که زنان را از درازگویی و اطاله سخن با

^۱ همان

^۲ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۳۸

^۳ قرشی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۱

^۴ جوزی، زادالمسیر فی علم تفسیر، ج ۶، ص ۱۹۶

^۵ نهج البلاغه، ح ۲۳۴

نا محرم نهی می کند و نقل شده: زن با غیر شوهر و غیر محرم، نباید بیش از پنج کلمه سخن بگوید.^۱ مقصود روایت پرهیز از زیاده گویی و رعایت کردن سخن در حد کفایت می باشد. فقهای شیعه نیز از این روایت حدّ وجوبی، که فراتر رفتن از آن حرام باشد را استفاده نمی کنند و این روایت و امثال آن را بر کراهت حمل می کنند.^۲ روایات از امیرالمؤمنین علیه السلام: گفتگو کردن میان زن و مرد را نهی می کنند. مردان و زنان شایسته از پرگویی و پرداختن به سخنان طنز و شوخی، که ضرورتی ندارد، پرهیز می کنند.^{۳ ۴ ۵}

نتیجه گیری

با تفحص در آیات و روایات، دریافتیم که گفتگو کردن نعمتی خطیر از جانب پروردگار است که بندگانش را مجاب می کند با یکدیگر ارتباطی سازنده و مفیدی در چهار چوب خواسته های ربّش داشته باشند. هر چقدر به اصولی که در آموزه های دینی درباره ی تکلم، بدان اشاره شده، توجه و دقت بیشتری شود، تعاملات بهتری در جامعه برقرار می شود. دین اسلام برترین و کاملترین ادیان الهی می باشد، که در همه ی ابعاد زندگی سعادت‌مندان، راهنمایی و تأکیدی سازنده، در مکتبش آورده است. در مورد گفتگوی زن و مرد به گونه ای شایسته و کارآمد، قواعدی را منظور کرده تا باعث سرعت بخشیدن در راه رشد و کمال انسانی قرار بگیرند و از هرگونه خلل و آسیبی درامان بمانند. بنابراین زن و مرد نامحرم در غیر موارد ضروری ارتباط کلامی مختصری داشته باشند تا قلب آنان از وسوسه های شیطانی محفوظ بماند. در موارد ضروری به حد متعارف سخن بگویند و درنهایت، از پرگویی و پرداختن به سخنان طنز و شوخی، که ضرورتی ندارد، بپرهیزند.

والسلام

^۱ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۶

^۲ بحرانی، تحف العقول، ج ۲۳، ص ۶۷

^۳ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۷۵

^۴ قمی، الدرالنظم فی لغات القرآن العظیم، ج ۲، ص ۵۳۷

^۵ نجفی، جواهرالکلام، ص ۲۹ و ۹۷

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. بحرانی، یوسف، تحف العقول، چ دوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳ه ش
۳. برقی، احمد ابن محمد، المحاسن، قم دارالکتاب اسلامی، ۱۲۷۱ه ق
۴. بولتون، رابرت، روانشناسی روابط انسانی، ترجمه حمیدرضا سهرابی، تهران، رشد، ۱۳۸۱ه ش
۵. بهایی، بهاءالدین، کشکول، تهران، نشر گلی، ۱۳۷۸ه ش
۶. جوزی، علی ابن محمد، زادالمسیر فی علم تفسیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ه ق
۷. حرعاملی، محمد ابن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۳۰۱ه ش
۸. خوئی، ابوالقاسم موسوی، معجم الرجال الحدیث، قم، مؤسسه خوئی اسلامی، ۱۳۸۱ه ش
۹. دشتی، محمد، نهج البلاغه، قم، اتقان، ۱۳۸۹ه ش
۱۰. دیکسون، دیوید، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میانفردی، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران، رشد، ۱۳۷۷ه ش
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، روزنه، ۱۳۷۳ه ش
۱۲. دیلمی، حسن، حکایت و حکمت، قم، راه قرآن، ۱۳۸۲ه ش
۱۳. راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالشامیه، ۱۳۸۶ه ش
۱۴. رسولی محلاتی، سید هاشم، غررالحکم ودررالكلم، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۷۷ه ش
۱۵. سعدی، مصلح ابن عبدالله، گلستان سعدی، قم، نشر الاسلامیه، ۱۳۸۳ه ش
۱۶. شعبه بحرانی، ابو محمد حسن، تحف العقول، قم، انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۶۳ه ش
۱۷. شیخ صدوق، محمد ابن علی، من لا یحضره الفقیه، بیروت، ۱۴۰۵ه ق
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۸۷ه ش
۱۹. طبری، محمد ابن جریر، جامع البیان، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ه ق
۲۰. طبرسی، فضل ابن حسن، مجمع البیان، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۵ه ق
۲۱. طوسی، محمد ابن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ه ش
۲۲. طوسی، محمد ابن حسن، تهذیب الاحکام، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ه ش
۲۳. فضل الله، محمد حسین، گفتگو و تفاهم در قرآن کریم، ترجمه سید حسین میرداماد، تهران، مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها، ۱۳۸۰ه ش

۲۴. قرشی، ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ه ق
۲۵. قمی، عباس، الدرالنظم فی لغات القرآن العظیم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۶ ه ش
۲۶. کلینی، محمد ابن یعقوب، اصول کافی، قم، ۱۳۸۱ ه ش
۲۷. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، تهران، مکتب الاسلامی، ۱۳۹۸ ه ش
۲۸. معصومی، مسعود، احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ ه ش
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب اسلامی، ۱۳۶۳ ه ش
۳۰. مورگان، جان، آیین آداب معاشرت، ترجمه جهانگیر افخمی، تهران، ارمغان، ۱۳۸۳ ه ش
۳۱. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، چاپ ششم، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۹۴ ه ش
۳۲. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، قم، تائهور، ۱۳۸۸ ه ش
۳۳. وود، جولیان، ارتباطات میانفردی روانشناسی تعامل اجتماعی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران، مهتاب، ۱۳۷۹ ه ش
۳۴. هارجی، اون، مهارتهای اجتماعی در ارتباطات میانفردی، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران، رشد، ۱۳۷۷ ه ش